انقلاب ارتباطات، مرگ فاصله ها

شاهنده، بهزاد

در انقلاب ارتباطات،محل کار به جایی برای گفتارها تبدیل‏ می‏شود و خانه نیز به محل کار تبدیل می‏گردد.

انقلاب ارتباطات،مرگ فاصله‏ها

دکتر بهزاد شاهنده در سخنرانی ماهانه انجمن در موضوع‏ انقلاب ارتباطات،مرگ فاصله‏ها سخنرانی کرد که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

دکتر بهزاد شاهنده: -استاد دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

-فارغ‏التحصیل دانشگاه کمبریج انگلستان

-تحصیلات در دانشگاه یونانی ایالات متحده

-مطالعات در انستیتوی جنوب شرقی آسیا(سنگاپور)

-تسلط به زبانهای انگلیسی،فرانسه و چینی

-متخصص به مسائل چین و شرق آسیا

آنچه امروزه در جهان رخ می‏دهد،انقلاب ارتباطی‏ است که طی آن میزان اطلاعات بشری در هر 18 ماه‏ (بلکه هر یکسال)دو برابر می‏شود.این امر باعث شده، کشورهای مجهز به توان نرم‏افزاری،بیشترین سهم‏ قدرت جهانی را بخود تخصیص دهند.

در چنین عصری که به دوره«مرگ فاصله‏ها»معروف شده، کسانی که از خانواده‏های خود بدور افتاده‏اند،باید آگاه‏ باشند که رفته رفته هزینه مکالمات تلفنی به صفر خواهد رسید.یکی از برنامه‏های سازمان مخابرات آمریکا در همین راستا،رایگان نمودن مکالمات تلفنی شهروندان‏ است.

تحولات تکنولوژیکی،دگرگونیهای شگرفی در بسیاری‏ از ابعاد زندگی ما پدید آورده است.همچون از میان‏ برداشتن مرزها،تغییر در الگوی تجارت بین‏الملل و مهمترین آنها«مرگ فاصله‏ها». فیبرهای نوری و دیجیتالهای فشرده در آینده این امکان را فراهم خواهند ساخت تا کانالهایی شخصی بوجود آیند و هر فرد منبعی از فیلمها و برنامه‏های مختلف را در اختیار خود داشته باشد.شبکه‏هایی پدید خواهند آمد که قابلیت‏ پخش تلفنی-تلویزیونی اطلاعات را خواهند داشت.در سال 1998 میلادی،80 میلیون نفر در سراسر جهان از شبکه اینترنت استفاده می‏کرده‏اند که بیش از نیمی از آنها در ایالات متحده زندگی می‏نموده‏اند و به این ترتیب‏ آمریکا بعنوان بزرگترین کشور استفاده کننده از نرم‏افزار کامپیوتری محسوب می‏شود.

با پیشرفت علم ارتباطات در جهان کنونی،نمی‏توان با وضع قوانین به کنترل اطلاعات و ارتباطات پرداخت.

مسؤلیتها از حالت اجتماعی خارج شده و افراد مسئول‏ مستقیم خواهند شد.سؤال اساسی این است که;«مرگ‏ فاصله‏ها»چگونه چهره جهان را دگرگون خواهد کرد.اولین‏ مسئله از بین بردن عامل جغرافیاست.شما در هر نقطه‏ جهان میتوانید خدمات و تخصص خود را ارائه کنید و فعالیتها عمدتا حول سه حوزه مهم متمرکز خواهند شد: «آمریکا»،«اروپا»،«استرالیا و شرق آسیا».در واقع‏ مرزها شکسته شده و روابط بصورت افقی در خواهد آمد.

دیگر جایی برای روابط عمودی بین رئیس و مرئوس‏ وجود نخواهد داشت.

می‏توان برای انقلاب ارتباطات که از حدود یک دهه قبل‏ آغاز گردیده(بطور دقیق‏تر 1988)ویژگیهای زیر را برشمرد:

-مسافت تعیین کننده هزینه ارتباطات نخواهد بود.

-سرنوشت جا و مکان متحول خواهد شد.

-بزرگی و کوچکی وسعت،مثل گذشته اهمیت ندارد. گسترش ارتباطات باعث‏ می‏شود،فرهنگ‏های بومی‏ امکان رشد بیابند و فرصت‏ خودنمایی در صحنه جهانی پیدا کنند.

در روابط جهان ارتباطات، آشنایی با زبان انگلیسی نقشی‏ کلیدی خواهد داشت.

-ارتباطات بهتر،با کیفیت بالاتر نقشی اساسی ایفاء خواهند کرد(البته برای این سیل ارتباطات وجود فیلترهای‏ خاص،ضروری است)

-در آینده مراکزی نوین با اهدافی ویژه پدید خواهند آمد و بازار ابتکارات و اندیشه‏های خلاق روز به روز گرمتر خواهد شد.

-بازارهای اقتصادی بدون تنش خواهند بود،چون این‏ خود ما هستیم که در آینده نوع کالا،ارزش کیفی و قیمت‏ آن را در سراسر جهان کنترل خواهیم کرد و کالاهایی‏ بدست ما خواهد رسید که کیفیت بالا و قیمت پایین دارند.

-تحرک بیشتری توسط سیستمهای مخابراتی در راه است.

-شرکتها و سازمانها بوروکراسی کمتری خواهند داشت و دیگر جایی برای مقررات سخت وجود ندارد.

-تولید کنندگان به ارائه دهندگان خدمات تبدیل خواهند شد.بعنوان مثال یک تولید کننده اتومبیل،پس از فروش، نوع عملکرد و کارکردی که اتومبیل انجام می‏دهد را بررسی می‏کند تا بتواند در آینده خدمات بهتری را به‏ مشتریان ارائه دهد.

-یکی از دیگر تحولات،جابجا شدن محل کار و خانه‏ است.محل کار به جایی برای گفتمان تبدیل می‏شود و خانه نیز به محل کار تبدیل می‏گردد.

-گسترش ارتباطات باعث می‏شود،فرهنگهای بومی‏ امکان رشد بیابند و فرصت خودنمایی در صحنه جهانی‏ پیدا کنند.

اگر در جهان امروز،خود را به‏ امکانات و شبکه‏های اطلاع‏ رسانی مجهز نکنیم،دچار عقب‏ ماندگی شدید غیر قابل جبران‏ خواهیم شد.در جهانی که به‏ گفته مک‏لوهان روز به روز کوچکتر خواهد شد و قدرتهای‏ نرم افزاری حرف آخر را خواهند زد.

-انسان به منبع اصلی ثروت تبدیل خواهد شد و در این‏ میان متخصصان مختلف بیشترین اهمیت را پیدا خواهند کرد.

-از این پس مردم خود مسئول امور شهر و محل زندگی خویش می‏گردند و در عین کمرنگ شدن نظارتهای‏ حکومتی،زندگی خصوصی مورد خدشه قرار خواهد گرفت.جهان همچون روستاهای گذشته خواهد شد که تمام‏ اهالی آن از حال یکدیگر باخبر بودند.البته این پدیده‏ جنبه مثبتی نیز دارد که آن کاهش جنایات گوناگون‏ می‏باشد،زیرا همه افراد از پیرامون خود اطلاع دارند.

-نکته دیگر،مسئله توزیع مجدد و دستمزدها است. اختلاف دستمزدها در داخل کشور تشدید خواهد شد،ولی‏ تفاوت درآمد میان کشورها تقلیل خواهد یافت.به این‏ علت که افراد از ملیتهای مختلف خواهند توانست از امکانات جهانی استفاده کنند،بعنوان مثال یک ایرانی‏ میتواند در داخل کشور به فعالیتهای جهانی پرداخته و دستمزد جهان اولی(در کشوری جهان سومی)دریافت کند و به همین علت معتقدیم که میل به مهاجرت در میان افراد کاهش پیدا خواهد کرد.

-در این میان شکل ظاهری شهرها نیز متحول می‏شود. شهر که زمانی مرکز کار و اشتغال بود به مرکز تفریح تبدیل‏ شده و مردم زمانی به شهر خواهند رفت که بخواهند به‏ رستوران،موزه،هتل،کنسرت و یا سالنهای ورزشی‏ بروند.

-پاره‏ای از این تحولات برای کشورهایی نظیر ایران‏ مشکل ساز خواهد بود و در این رابطه می‏توان انتقادهایی‏ به نظام آموزشی کشورمان داشت.در روابط جهان‏ ارتباطات،آشنایی با زبان انگلیسی نقشی کلیدی‏ خواهد داشت.در چنین شرایطی و در حالیکه در بسیاری از کشورهای همسایه ما دارندگان مدرک کارشناسی به زبان‏ انگلیسی تسلط دارند،سیستم آموزش ما این امر را در عمل به فراموشی سپرده است.

-از لحاظ سیاسی ما در آینده توازن قدرت خواهیم‏ داشت،بدلیل اینکه مردم از حوادث پیرامون خود اطلاع‏ خواهند یافت و دولتها مجبور می‏شوند،مسئولیت پذیرتر شوند.اطلاعات در انحصار گروه نخبه نخواهد بود و برای‏ مردمی که در کشورهای با نظام سیاسی غیر دموکراتیک‏ زندگی می‏کنند،امکانات فراوانی برای ارتباط با سایر کشورها فراهم خواهد شد و همین امر باعث خواهد شد دولتها در چنین جوامعی،تغییراتی در روند حکمرانی خود اعمال کنند.

-من اعتقاد دارم،انقلاب ارتباطات،صلح جهانی را به‏ ارمغان خواهد آورد،البته نکات منفی نیز در چنین‏ فرآیندی وجود دارد.بعنوان مثال هنگام بحران موشکی‏ کوبا توانست برای مدت 16 روز،تصمیم شوروی مبنی‏ بر استقرار موشک در کوبا را مخفی نگاه دارد و بدور از فشار افکار عمومی تمامی جوانب این بحران و راههای‏ حل آن را بررسی کند ولی در عصر حاضر و به میان آمدن‏ عاملی به نام ṣC.N.N سرعت انتشار سری‏ترین اخبار در حدی است که فرصت و مجال تفکر را از سیاستمداران‏ می‏گیرد،لذا احتمال اتخاذ تصمیم اشتباه در شرایط بحرانی‏ و تحت فشار عامل C.N.N و افکار عمومی افزایش‏ می‏یابد.

-با توجه به تحولات فوق،اگر خود را به امکانات و شبکه‏های اطلاع رسانی مجهز نکنیم،دچار عقب ماندگی‏ شدید و غیر قابل جبرانی خواهیم شد،در جهانی که به گفته‏ «مارشال مک لوهان»روز به روز کوچکتر خواهد شد، قدرتهای نرم افزاری حرف آخر را خواهند زد.